

## تأملی در خوانش درست ترکیب عربی:

### «لئیم الظفر» یا «لئیم الظفر»

سهیل یاری گل‌دره\*

مینوی آمده است (میرزایا ۱۳۸۲: ۷۳۴-۷۳۵).  
با جست‌وجوی فراوانی که در فرهنگ‌های فارسی انجام  
شد، این ترکیب تنها در فرهنگ فارسی معین یافت شد، در  
آنجا (ج ۳/۳۵۵۱/۳) ذیل «لئیم ظفر» چنین آمده است:  
I. -zofor (-fr) [از ع. پس‌ناخن من باب ذکر جزء و  
ارادة كل] (ص مر).

محمدتقی بهار در کتاب سبک‌شناسی (ج ۲، ص ۲۷۰)، جایی که  
از خصوصیات کلیله و دمنه بحث کرده، نوشته است:  
همچنین کنایات غریبه‌ای مانند لئیم ظفیری به معنی  
بدجنسی و بدبختی، گاهی دیده می‌شود که در هیچ زمان  
سابقه ندارد.

خلیل خطیب رهبر (۱۳۷۳: ۵۲) نیز «ظفر» پنداشته و نوشته است:  
لئیم ظفر، شاید همان ناخن خشک باشد، یعنی آنکه از وی  
هیچ منفعتی به دیگران نرسد.

همچنین در کتاب شرح کلیله و دمنه از کرباسی و بزرگ،  
ترکیب ما نحن فیه به همان صورت غلط که «لئیم الظفر» باشد  
ضبط و معنی شده است (کرباسی و بزرگ ۱۳۸۹: ۳۲۳).

در بین معاصران، شفیعی کدکنی در این نحوه خواندن  
عبارت تردید نموده است. او در مفلس کیمیا فروش در شرح  
این بیت انوری

بالله از بس که این لئیم ظفر  
با مقیمان خاک بستیزد

(انوری، دیوان، ج ۲، ص ۶۰۳)

در توضیح «لئیم ظفر» پس از نقل سخن مینوی در شرح عبارت  
کلیله و دمنه، می‌نویسد:

ظاهراً صورت درست آن ظفر است به معنی کسی که اگر  
بر خصم پیروز شود (ظفر: پیروزی) کمال ثامت و پستی  
را از خود نشان می‌دهد و این از تعبیر «کریم الظفر» که در  
عربی رواج دارد تأیید می‌شود (شفیعی کدکنی ۱۳۸۴: ۳۰۸).

او سپس این بیت عربی را شاهد آورده است:

«ظفر» به معنای پیروزی و «ظفر» به معنای ناخن است، لذا  
معنای درست ترکیب مورد بحث بستگی به نحوه خواندن این  
واژه دارد.

ترکیب فوق، در کلیله و دمنه نصرالله منشی (کلیله،  
۱۳۸۵، ص ۸۴) چنین آمده است:

هر که به لاوه دشمن فریفته شود و بر لئیم ظفر و بدگوهر  
اعتماد روا دارد، سزای او اینست.  
مجتبی مینوی در شرح آن نوشته است:

لئیم ظفر، ظفر ناخنست و لئیم ظفر ظاهراً به معنی کسی  
که اگر ناخنش گیر کند کمال فرومایگی و بدطینتی و  
ستیزه‌گری را به کار ببرد؛ پست فطرت. انوری را  
قطعه‌ایست در صفت روزگار که در آن این ترکیب را آورده.  
همین ترکیب، در بیتی از ظهیر فاریابی و مسعود سلمان و در  
جمله‌ای از کتاب مرزبان‌نامه نیز چنین آمده است:

دهر بر دشمن جاهت چو ظفر می‌یابد  
شاید از خوانی ازین پیش لئیم الظفرش

(فاریابی، دیوان، ص ۱۷۰)

ور چو ایشان نه‌ای لئیم ظفر  
شکر این کن که از لئام نه‌ای

(مسعود سعد، دیوان، ص ۶۲۶)

راسو اندیشید که این زاغ به بدگوهری و ناپاک محضری و  
لئیم ظفیری موصوفست (وراوینی، مرزبان‌نامه، ص ۵۰۷).

در فرهنگ لغات و کنایات دیوان مسعود سعد سلمان در توضیح  
این بیت، تقریباً همان توضیحات مینوی ذکر شده است:

ظفر به معنی ناخن است و لئیم ظفر ظاهراً به معنی کسی  
که اگر ناخنش گیر کند کمال فرومایگی و بدطینتی را به  
کار ببرد (مهیار ۱۳۷۷: ۳۴۳).

محمد روشن در حواشی کلیله و دمنه همانند مینوی همان  
ظفر به معنای ناخن را ضبط کرده است (منشی، کلیله، ۱۳۷۴،  
ص ۸۳). در کتاب فرهنگ‌نامه کنایه، بدون ذکر مأخذ همان نظر

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی همدان.



حاشاكٌ مِنَ ظَفَرِ اللَّئَامِ وَإِنَّمَا  
ظَفَرُ اللَّئَامِ سَعَادَةٌ لِلْمَذْنِبِ

(همانجا)

رضا انزایی نژاد نیز در گزیده‌ای که از کیله و دمنه فراهم آورده، در توضیح ترکیب مذکور، ضمن آنکه «ظفر را ناخن» نوشته، پس از آن، توضیحات شفيعی کدکنی را در ادامه آورده است (انزایی نژاد ۱۳۸۵: ۲۰۲).

همان گونه که ملاحظه شد، تنها شفيعی کدکنی و آن هم با قید «ظاهراً» که نشان از تردید است، ابراز نظر کرده که گویا در ضبط ریخت درست واژه، به یقین نرسیده است.

و اما ضبط این عبارت در متون قدیم عربی. در منابع عربی، در قدیم‌ترین منبعی که این ترکیب آمده است کتاب نفیس الالفاظ الکتبیه اثر عبدالرحمن همدانی (ف ۳۲۰ق) است، در آنجا ص ۱۴ در «باب اللؤم» آمده است:

فَلانٌ لثيم الظفر ولثيم القُدرة والغلبة ايضاً... و يقال فَعَلَ ذلك بلؤمٍ قُدْرَتِهِ و دَنَاةٍ ظَفْرِهِ.

در متن کتاب «الظفر» را به شکل مشکول «الظَفَر» ثبت شده است و از بافت متن و صورت مشکول واژه، و ریخت صحیح این ترکیب، به نظر می‌رسد «لثيم الظَفَر» درست باشد.

ثعالبي نیز در اللطائف و الظرائف (ص ۲۲) از صاحب بن عبّاد نقل کرده که گفته است: الزمان حديدُ الظفر، لثيمُ الظفر. که به طور قطع و یقین روشن می‌شود که «الظَفَر: پیروزی» درست است و نه «الظفر: ناخن».

از ابوبکر خوارزمی نقل کرده‌اند که: إن الحر كريم الظفر إذا نال أقال وإن اللثيم لثيمُ الظفر، إذا نال استطال (همان، ص ۳۹۱). یعنی: انسان آزاده بزرگوار و بخشنده است، اگر به قدرت دست یابد، گذشت می‌کند و انسان پست، در هنگام پیروزی، دست درازی و بدمستی می‌کند.

در کتاب خريدة العصر ابن عماد اصفهانی (ج ۲، ص ۳۳۷) این بیت آمده است: جَارَ عَلَيَّ الحُبُّ والحُبُّ لثيمُ الظفر، یعنی: عشق بر من ستم روا داشت و عشق «بديروزی» است.

در اینجا مصحح «لثيم الظفر» را به صورت مشکول ثبت نموده که به معنای غلبه و پیروزی است. نیز همین ترکیب در ادب الدنيا و الدين، در ضمن عبارتی از قدما آمده که مصحح آن را به صورت «لثيم الظفر» ضبط کرده است (ماوردی، ادب، ص ۳۴۳). باری، با توجه به متون قدیم، به نظر می‌رسد ضبط صحیح

این عبارت مرکب «لثيم الظفر» به معنای بديروزی و بدمستی در هنگام قدرت و غلبه باشد و این ترکیب ارتباطی با ناخن نداشته و ندارد، اما اولین تفسیر خطای آن از مینوی یا شاید هم استاد بهار دیگران را هم به مسیر خطا برده است.

### منابع:

- اصفهانی، ابن عماد، خريدة القصر و جريدة العصر، تحقیق محمد بهجة الاثری، الجزء الثاني، المجمع العربي العراقي، ۱۳۸۴ق.
- انزایی نژاد، رضا، ۱۳۸۵، گزیده کیله و دمنه، تهران، آیدین.
- بهار، محمدتقی، ۱۳۸۴، سبک شناسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
- ثعالبي، ابومنصور، اللطائف و الظرائف، بیروت، دار المناهل، [بی تا].
- ثعالبي، ابومنصور، سحر البلاغة و سر البراعة، تحقیق عبدالسلام الحوفی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- خطیب رهبر، خلیل، ۱۳۷۳، گزیده کیله و دمنه، تهران، مهتاب.
- مسعود سعد سلمان، دیوان اشعار، تصحیح رشید یاسمی، گلفام، ۱۳۶۳ش.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۴، مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، تهران، سخن.
- فارابی، ظهیر، دیوان اشعار، تصحیح تقی بینش، تهران، باستان، ۱۳۳۷ش.
- کرباسی، عفت؛ و برزگر خالقی، محمدرضا، ۱۳۸۹، شرح کیله و دمنه، چاپ اول، تهران، زوار.
- ماوردی، علی بن محمد، ادب الدنيا و الدين، دار مکتبه الحیاة، ۱۹۸۶ م.
- معین، محمد، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
- منشی، نصرالله، کیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ش.
- منشی، نصرالله، کیله و دمنه، به اهتمام محمد روشن، با انتقادات سید محمد فرزنان، تهران، اشرفی، ۱۳۷۴ش.
- مهیار، محمد، ۱۳۷۷، فرهنگ لغات و کنایات دیوان مسعود سعد سلمان، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- میرزانی، منصور، ۱۳۸۲، فرهنگنامه کنایات، تهران، امیرکبیر.
- وراوینی، سعدالدین، مرزبان نامه، تصحیح محمد روشن، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶ش.
- همدانی، عبدالرحمن، الالفاظ الکتبیه، مصر: مکتبه الملیجی، ۱۹۳۱ م.

